

ہوہ عربی فوری...!

عربی ۲ عمومی

۰۰۲	معرفہ / نکرہ
۰۱۸	اعراب فرعی
۰۳۲	اعراب تقدیری
۰۴۰	وصف و اضافہ
۰۵۶	اعراب فعل مضارع
۰۷۰	معلوم / مجهول
۰۸۴	نواسخ

عربی ۳ عمومی

۰۹۸	معتلات
۱۱۶	مفعول مطلق / مفعول فیہ
۱۳۶	حال
۱۵۲	تمییز
۱۶۴	مستثنیٰ
۱۷۶	منادی

پیوست

۱۹۰	انواع جملہ (فعلیہ / اسمیہ)
۲۰۴	اعداد
۲۱۴	مفعول لہ
۲۲۰	اسلوب تعجب

۲۲۷	پاسخنامہ تشریحی
-----	-----------------

معرفه و نکره

اسم

- درس اول عربی ۲ (کلیه رشته‌ها به جز ادبیات و علوم انسانی)
- درس سوم عربی ۲ (رشته ادبیات و علوم انسانی)

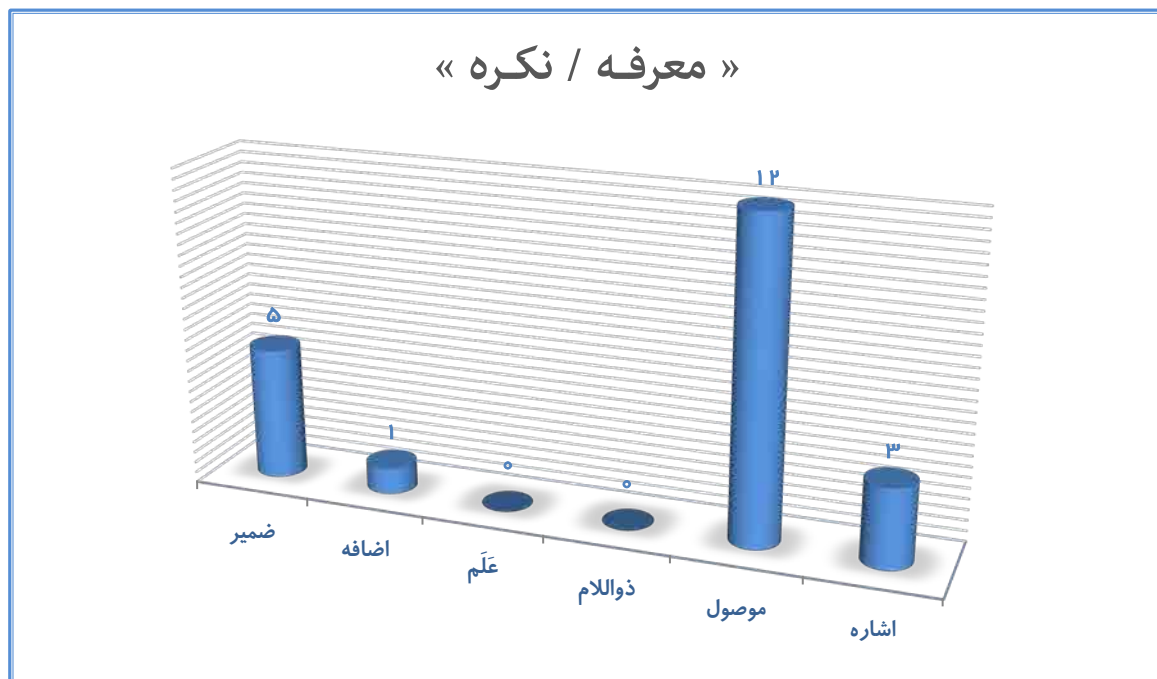


گاهی موقع راه رفتن، فراموش می‌کنم که می‌روم یا می‌آیم!...

در آزمون های سراسری سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ در تمامی رشته های پنج گانه (علوم ریاضی / علوم تجربی / علوم انسانی / هنر / زبان)، در بخش عربی، برای هر درس، از موضوعات و مباحث مختلف آن، سوالات متنوع و متفاوتی طرح گردیده است. جهت مطالعه ی دروس مختلف عربی، ضمن تسلط بر تمامی آن ها به دلیل وابستگی مبحثی به یکدیگر، برخی از مباحث و تیتراها در یک درس، از نظر تعداد سوالات مطرح شده از آن ها در کنکور، از سایر بخش های همان درس، دارای اهمیت و اولویت بیش تری هستند.

آگاهی از این موارد با استناد بر آزمون های برگزار شده در طی این سال ها، می تواند کمک شایانی به اولویت بندی زمانی برای مطالعه ی آن ها باشد، تا دانش آموزان بتوانند با تکیه بر موارد پُر تست و با اهمیت، به تقویت توان علمی خود در آن زمینه بپردازند.

درس « **معرفه / نکره** » را با توجه به آزمون های مذکور و محتوای درسی آن می توان به ۶ بخش تقسیم نمود:



در این بین، با توجه به نمودار فوق، مشخص است که مبحث « **اسم موصول** » در این درس از اهمیت بسیار ویژه تری نسبت به سایر مباحث برخوردار است و پس از آن « **ضمیر** » و « **اسم اشاره** »...!

توجه به این نکته بسیار ضروری است که عدد * در برابر « **علم / ذواللام** »، بیانگر این نیست که این موارد به هیچ عنوان، مهم نخواهند بود؛ بلکه نکته در این جاست که از این موارد، تاکنون سؤالی به صورت مستقیم مطرح نشده است، اما طراحان در بسیاری از سوالات به صورت غیرمستقیم و کاربردی به این دو مبحث پرداخته اند.

حال با آگاهی از اهمیت جزء به جزء این درس، ضمن اشاره به نکات کلیدی مطرح شده در آزمون های سراسری ۸۰ تا ۹۰، سوالات آن ها را نیز بررسی می نماییم:

0 در زبان عربی، کلمات به ۳ دسته تقسیم می شوند:

۳. فعل

۲. اسم

۱. حرف

هر یک از این کلمات، دارای ویژگی هایی هستند (خاص و مشترک) که در مباحث عربی کنکور به بسیاری از آن ها، اشاره می شود.

« اسم » دارای ویژگی های متعددی از قبیل « مبنی و معرب / معرفه و نکره / منصرف و غیرمنصرف / جامد و مشتق / ... » می باشد که در این درس به ویژگی مهم و پرکاربرد « معرفه و نکره » بودن آن پرداخته شده است.

اسم نکره:

اسمی است که برای مخاطب و یا گوینده، شناخته شده نباشد و مفهومی عام را القاء نماید: شَجَرَة - قَلَم - طَالِب

اسم معرفه:

اسمی است که برای مخاطب و یا گوینده، شناخته شده باشد؛ به این مفهوم که وقتی صحبتی از آن اسم به میان می آید، آن اسم به یک مفهوم مشخص و معین اشاره نماید و نه یک مفهوم عام و فراگیر؛

علی: منظور از علی برای گوینده و مخاطب، یک شخص خاص است

کتاب مریم: در این جا کتاب، یک مفهوم عام نیست؛ بلکه منظور فقط کتاب شخصی به نام مریم است!

✓ اسم نکره برخلاف معرفه، انواع مشخصی ندارد؛ لذا برای یافتن اسم نکره، باید انواع معرفه ها را به صورت کامل شناخت که در آن صورت، هر اسمی معرفه نباشد، نکره خواهد بود.

0 با این حال، دو روش برای شناخت اسم نکره وجود دارد:

۱. ظاهر هر اسمی که تنوین داشته باشد، در صورتی که اسم عَلَم نباشد، نکره خواهد بود (اسم عَلَم، کَمَحْ جَلَوْتَر معرفه می شه ...)

۲. ترجمه در ترجمه ی فارسی، اسم نکره به دو صورت می آید:

یک + اسم : یک دانش آموز

اسم + ی : دانش آموزی

• نکته ی فوق در تست های ترجمه و تعریب، دارای اهمیت فوق العاده ای است.

و اما انواع معارف (معرفه ها !!)

معارف شیش بُود، مضمیر، إضافة
عَلَم، ذواللام، موصول و اشاره

اسامی معرفه، شش گروه هستند که در ادامه به نکات مهم آنها اشاره می گردد:

۱. ضمیر

تمامی ضمایر، معرفه هستند..

(پس هرچه ضمیر دیدین، بدون اینکه کاری به اصل و نسب داشته باشین، معرفه حساب کنین..)

انواع ضمیر

متصل: ضمیری که به فعل، اسم و یا حرف قبل از خود متصل می شود (فودمونی بکم می پُسه...!!)

منفصل: ضمیری که به صورت مستقل و با فاصله از کلمات دیگر می آید (بابا یعنی نمی پُسه...!!)

- ضمایر با توجه به نقشی که در جمله می گیرند، می توانند مرفوع، منصوب و یا مجروری باشند که در ادامه با آنها آشنا می شوید.

پند نکته پیرامون ضمیر

۱. ساختار « ضمیر منفصل منصوبی » به صورت زیر است و همواره در نقش منصوب می آید:

إِیَا + ضمیر متصل منصوبی

إِیَاكَ تَعْبُدُ (تنها تو را می پرستیم)

✓ یادتون باشه که ضمیر منفصل منصوبی، خودش به تنهایی یک کلمه است؛ نه دو کلمه...!!!

۲. ضمایر متصل منصوبی و مجروری، مشترک و یکسان هستند و در ظاهرشان هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد و صرفاً از نقش آنها در جمله باید به اعرابشان پی برد (منصوب یا مجرور).

هَذَا كِتَابُكَ ضمیر « كَ » در اینجا، مضافٌ إلیه و محلاً مجرور است

أَنَا رَأَيْتُكَ ضمیر « كَ » در اینجا، مفعولٌ به و محلاً منصوب است

۳. ضمیر از منظری دیگر نیز، قابل تقسیم‌بندی است:

ضمیر بارز: ضمیری که آشکار و بارز می‌باشد؛ یعنی در جمله قابل رؤیت است (ضمائر ذکر شده).

ضمیر مستتر: ضمیری که مختص فعل است و در جمله دیده نمی‌شود و در صیغه‌هایی مانند ۱، ۴، ۷، ... وجود دارد.

(در قسمت جمله‌ک فعلیه، بیشتر توضیح داده خواهد شد...!!!)

هُوَ يَذْهَبُ إِلَى الْبَيْتِ (چون فعل، صیغه‌ی اول است و هیچ ضمیری در آن نیست، لذا فاعل آن، « هُوَ » مستتر می‌باشد)

و نکته‌ی پایانی در مورد ضمیر ...

یکی از تست خیزترین قسمت‌های ضمیر، بحثِ مربوط به معادل‌سازیِ انواع ضمیر است. به این مفهوم که معادل‌های منفصل و متصل و همچنین مرفوع، منصوب و مجروری یک صیغه‌ی مشخص را بتوانیم بیابیم.

➤ صیغه‌های غایب

متصل		منفصل		متصل		منفصل	
منصوبی/مجروری	مرفوعی	منصوبی	مرفوعی	منصوبی/مجروری	مرفوعی	منصوبی	مرفوعی
ها	هَـ (ضمیر نیست)	إِيَّاهَا	هِيَ	هـ	—	إِيَّاهُ	هُوَ
هما	تا	إِيَّاهُمَا	هُمَا	هما	لـ	إِيَّاهُمَا	هُمَا
هنَّ	نَـ	إِيَّاهُنَّ	هُنَّ	هم	وـ	إِيَّاهُمْ	هُمْ

➤ صیغه‌های مخاطب

متصل		منفصل		متصل		منفصل	
منصوبی/مجروری	مرفوعی	منصوبی	مرفوعی	منصوبی/مجروری	مرفوعی	منصوبی	مرفوعی
کِ	تِ	إِيَّاكَ	أَنْتِ	کَ	تَ	إِيَّاكَ	أَنْتَ
کُما	تُما	إِيَّاكُما	أَنْتُما	کُما	تُما	إِيَّاكُما	أَنْتُما
کُنَّ	تُنَّ	إِيَّاكُنَّ	أَنْتُنَّ	کُم	تُم	إِيَّاكُم	أَنْتُمْ

➤ صیغه‌های متکلم

متصل		منفصل	
منصوبی/مجروری	مرفوعی	منصوبی	مرفوعی
ی	تُ	إِيَّايَ	أنا
نا	نا	إِيَّانا	نَحْنُ

دو نکته:

- « ت » در صیغه‌ی مفرد مونث غایب، ضمیر نیست و تنها به عنوان علامت تأنیث فعل (مونث کردن)، شناخته می‌شود.
- ضمیر متصل مرفوعی و منصوبی / مجروری برای متکلم مع الغیر، یکسان و ضمیر « نا » می‌باشد.

پاسخ: صفحه ۲۲۷

ایستگاه کنکور

تست ۵

۱- تجربی ۸۰

عین المناسب للفراغات: « إِنَّ ... يُحِبُّ ... فَيُنْزِلُ نِعْمَتَهُ ... فِي هَذِهِ ... »

- | | |
|------------------------------------|--------------------------------------|
| (۱) الله - المخلصات - لهم - الحياة | (۲) الرب - الذين - عليهن - الحياة |
| (۳) إلهي - المؤمنات - لهم - الدنيا | (۴) ربّي - المخلصين - عليهم - الدنيا |

۲- تجربی ۸۱

کم ضميراً متصلاً في الآية الكريمة؟ « قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا »

- | | | | |
|-----------|-----------|-----------|----------|
| (۱) أربعة | (۲) إثنان | (۳) ثلاثة | (۴) خمسة |
|-----------|-----------|-----------|----------|

۳- تجربی ۸۲

عین المناسب للفراغ: « هَذِهِ ... كَتَبْتُهَا ... لِمُعَلِّمَتِهِمَا »

- | | |
|-------------------------|--------------------------|
| (۱) المعلّمة - الرسالة | (۲) الكُتُب - التلميذتين |
| (۳) الكتاب - المعلّمتان | (۴) الرسالة - التلميذتان |

۴- هنر ۸۲

« ... تَلْمِذَتَانِ مُجِدَّتَانِ فِي دُرُوسٍ ... ». عین غیر المناسب للفراغ:

- | | | | |
|-------------|---------------|-----------------|-----------------|
| (۱) نحن - ي | (۲) هما - هما | (۳) أنتما - كما | (۴) إنكما - كما |
|-------------|---------------|-----------------|-----------------|

۵- زبان ۸۲

« أَحَبُّ إِخْوَانِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي ». کم ضميراً (بارزاً و مستتراً) في العبارة؟

- | | | | |
|-----------|-----------|----------|-----------|
| (۱) أربعة | (۲) ثلاثة | (۳) خمسة | (۴) إثنان |
|-----------|-----------|----------|-----------|

۲. اضافه

معرفه به اضافه، مربوط به ترکیب اضافی می شود؛ لذا برای تفهیم بهتر موضوع، به معرفی مختصر ترکیب می پردازیم:

ترکیب: متشکل از حداقل دو اسم است که به یکدیگر متصل باشند: (در زبان فارسی، عموماً با حرکت کسره، متصل می شوند)

الکتاب الجمیل : کتاب زیبا

کتاب علی : کتاب علی

0 ترکیب وصفی متشکل از موصوف و صفت

0 ترکیب اضافی متشکل از مضاف و مضاف‌إلیه

(در درس ۵ به صورت کامل توضیح داده خواهد شد)

✓ مضاف در ترکیب اضافی (اسم اول)، به هیچ عنوان « ال / تنوین / ن مثنی و جمع مذکر سالم » نمی گیرد.

حال با معرفی مختصر ترکیب اضافی، به بحث اصلی، یعنی معرفه به اضافه می رسیم:

❖ در یک ترکیب اضافی، اگر مضاف‌إلیه (اسم دوم) معرفه باشد، مضاف آن نیز معرفه خواهد بود که به آن معرفه به اضافه گویند.

قَلَمُ طَالِبٍ : چون « طالب » که مضاف‌إلیه است نکره می باشد، « قلم » نیز نکره است.

قَلَمُ الطَّالِبِ : چون « الطالب » که مضاف‌إلیه است معرفه می باشد، « قلم » نیز معرفه به اضافه است.

پاسخ: صفحه ۲۲۷

ایستگاه کنکور

۱ تست

۱- انسانی ۸۰

عَيْنُ الْخَطَا عَنْ كَلِمَةِ « أَدَاء »: « أَتَنَاوَلُ الطَّعَامَ بَعْدَ أَدَاءِ الصَّلَاةِ »

(۲) جامد و مضاف

(۱) اسم و معرف بالاضافة

(۴) مصدر من باب إفعال

(۳) مضاف إلیه و مجرور

۳. عَلم

سومین مورد از معارف، اسم عَلم است که موارد آن عبارتند از:

- ✓ اسامی افراد و اشخاص : علی / محمد / سامان / انیشتین / ...
- ✓ اسامی شهرها، کشورها، قاره‌ها، دریاها، مکان‌های خاص : تهران / ایران / فلسطین / ...
- ✓ اسم جلاله‌ی « الله »
- ✓ واژه « اللهم » : دقت داشته باشید که این کلمه به تنهایی، یک واژه بوده و اسم عَلم می‌باشد!

۴. ذواللام

« ذو » به معنای « صاحب » است؛ لذا عبارت « ذواللام » به مفهوم « صاحب ال » می‌باشد و به این معناست که اسم نکره‌ای که دارای « ال » باشد، معرفه است.

❖ انواع « ال »

۱. تعریف: این نوع از « ال » است که اسم را معرفه می‌کند و حتماً می‌بایست بر سر اسم نکره بیاید:

ال + اسم نکره : اسم معرفه

ال + کتاب : الکتاب

۲. زینت: این نوع از « ال » هیچ تأثیری بر « معرفه » یا « نکره » بودن اسم ندارد و همان‌طور که از نامش پیداست برای زیبایی اسم می‌باشد (در تلفظ) و البته این « ال » تنها بر سر اسم علم می‌آید که به آن « معرفه به علم » می‌گویند نه « ذواللام »!...

ال + اسم عَلم

المهدی / الحسین : عَلم هستند نه ذواللام

۵. موصول

تمامی اسامی موصولی که در ادامه خواهید دید (فارغ از نوعشان)، معرفه هستند.

• موصول بر دو نوع است:

- ۱. موصول عام (مشترک)
- ۲. موصول خاص

۱. موصول عام:

موصولی است که برای تمامی صیغه‌ها (مفرد، مثنی، جمع / مذکر، مؤنث) به صورت یکسان و مشترک به کار می‌رود و تنها تفاوت کاربردی آن، انسان و غیر انسان است؛ بدین صورت که:

0 مَنْ (کسی که / آن کسی که) : برای انسان

0 مَا (چیزی که / آن چیزی که) : برای غیر انسان

هُوَ مَنْ يُعَلِّمُ التَّلَامِيذَ دَرَسًا او کسی است که به دانش آموزان درس می‌آموزد
و لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ و برای خداوند است آن چیزی که در آسمان‌ها و زمین است

۲. موصول خاص:

این نوع از موصول برای صیغه‌های مختلف (از نظر شمار و جنس) متفاوت است و برای هر کدام به صورت خاص و ویژه می‌آید:

مفرد	مثنی	جمع
مذکر	الَّذِي - الَّذَيْنِ	الَّذِينَ
مؤنث	الَّتِي - اللَّتَيْنِ	الَّتَاتِي

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ هِيَ الَّتِي تَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ
الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ الْمُؤْمِنَاتُ اللَّاتِي هُنَّ فِي صَلَاتِهِنَّ خَاشِعَاتٌ

❖ جمله‌ی صله

به جمله یا شبه‌جمله‌ای که پس از اسم موصول می‌آید، « جمله‌ی صله » می‌گویند که ویژگی مهم و شاخص آن، این است که به هیچ عنوان نقش نمی‌پذیرد:

هُوَ الَّذِي كَتَبَ عَلَيْنَا الصِّيَامَ « كَتَبَ » جمله‌ی صله و بدون نقش

و لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ « فِي السَّمَوَاتِ » جمله‌ی صله و بدون نقش

- یکی از مهم ترین و اصلی ترین نکات مطرح شده در آزمون های سراسری، موضوع مربوط به انواع « مَن / ما » است؛ در قسمت قبل توجه داشتید که « مَن / ما »، فقط و فقط وقتی اسم موصول باشند، معرفه محسوب می شوند.

اما « مَن / ما » انواع دیگری نیز دارند که در آن موارد، دیگر معرفه نیستند؛ لذا شناخت آن ها بسیار با اهمیت است. چنان که در ادامه خواهید دید، بیشترین تعداد تست از این درس، در ۱۰ سال اخیر کنکور، مربوط به این نکته ی مهم بوده است:

انواع « مَن / ما »

۱. موصول (معرفه)

- بهترین روش تشخیص، ترجمه است:
- مَن: کسی که / آن کسی که ما: چیزی که / آن چیزی که
- همچنین فعل پس از اسم موصول، هیچ تغییری در اعراب، ندارد!

۲. استفهام (نکره)

- بهترین روش تشخیص، ترجمه است:
- مَن: چه کسی؟ ما: چه چیزی؟
- همچنین فعل پس از اسم استفهام، هیچ تغییری در اعراب، ندارد!

۳. شرطی (نکره)

- بهترین روش تشخیص، توجه به ساختار جمله ی شرطی است:
- « مَن / ما » + جمله ۱ + جمله ۲
- پس از « مَن / ما » ی شرطی باید دو جمله وجود داشته باشد که هر دوی آن ها نیز می بایست مجزوم باشند.

(توضیحات کامل، در درس اعراب فعل مضارع آمده است)

« ما » ی نفی (نافية)

این نوع « ما »، نوع چهارم آن است که به علت حرف بودن (اسم نیست!)، نه معرفه است و نه نکره...!!!

نحوه ی تشخیص:

باید هر دو شرط زیر را همزمان داشته باشد:

(۱) بر سر فعل ماضی بیاید.

(۲) ترجمه ی فعل را به منفی تبدیل نماید.

ما يَكْتُبُ عَلَيَّ فِي الْمَدْرَسَةِ تَكْلِيْفٌ (بر سر فعل مضارع آمده، لذا نفی نیست؛ موصول است)

ما كَتَبَ عَلَيَّ فِي الْمَدْرَسَةِ تَكْلِيْفٌ (معنای منفی ندارد، لذا نفی نیست؛ موصول است)

ما كَتَبَ عَلَيَّ فِي الْمَدْرَسَةِ تَكْلِيْفًا (بر سر فعل ماضی آمده و معنای منفی دارد، لذا نفی است)

در تست هایی که در ادامه می آیند، با نوع و نحوه ی پرسش از این قسمت آشنا می شوید:

پاسخ: صفحه ۲۲۸

ایستگاه کنکور

تست ۱۲

۱- زبان ۸۲

عَيْن « ما » الحرفية:

(۲) ما رَضِيَ لِنَفْسِهِ الْجَهْلُ، فَتَعَلَّمَ!

(۱) ما أُرِدْتُ أَنْ تَنَالَ نِلْتَهُ!

(۴) ما يَبْدَكَ؟! قَلَمٌ أَوْ كِتَابٌ؟!

(۳) ما أَرْجُو مِنْكَ الْقِيَامَ بِهِ، هُوَ الْإِجْتِهَادُ!

۲- زبان ۸۲

« خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يُسَاعِدُ الْآخِرِينَ ». عَيْنُ نَوْعِ الْخَبَرِ وَ إِعْرَابِهِ:

(۲) مفرد و مرفوع محلاً

(۱) مفرد و مرفوع لفظاً

(۴) جمله ی فعلیه و مرفوع لفظاً

(۳) شبه جمله و مرفوع محلاً

۳- انسانی ۸۳ سالی واحدی

عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْمَوْصُولَاتِ:

(۲) الْمُؤْمِنَانِ اللَّذَانِ يَعْبُدَانِ اللَّهَ هُمَا الْمُخْلِصَانِ

(۱) زَارَتِ النِّسَاءُ مَنْ كَانَ يُسَاعِدُ الْآخِرِينَ

(۴) أَرَادَ طَالُوتُ أَنْ يُجَرِّبَ الْقَائِدَ الَّذِي تَحْتَ قِيَادَتِهِ

(۳) شَاهَدْتُ الطَّالِبَيْنِ الَّذِينَ يُطَالِعَانِ كِتَابَهُمَا

۴- تجربی ۸۴ سالی واحدی

عین ما ليس فيه إسم موصول:

- (۱) « لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ! »
 (۲) أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ مَا فِيهِ صَلَاحٌ وَرِشَادٌ!
 (۳) مَا نَدْعُوا مِنَ الْخَيْرَاتِ يُسْمَعُ!
 (۴) « إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً »!

۵- انسانی ۸۴ سالی واحدی

عین العبارة التي فيها إسم موصول:

- (۱) مَا تَأْتِ مِنْ خَيْرٍ فَتَجِدْ جَزَاءَهُ بِسُرْعَةٍ!
 (۲) أَنْفِقْ مِمَّا تَمْلِكُ، فِي سَبِيلِ اللَّهِ لِيَرْضَى عَنْكَ!
 (۳) مَا نَعْمَلُ حِينَ يُسَلِّمُ النَّاسُ عَلَيْكَ وَ يُهَيِّئُونَكَ!
 (۴) ذَهَبْتَ إِلَى الْمَسْجِدِ بِسُرْعَةٍ وَلَكِنْ مَا سَمِعْتَ كَلَامَ الْخَطِيبِ!

۶- هنر ۸۴ سالی واحدی

عین ما ليس فيه إسم موصول:

- (۱) قُلِ الْقَصْلُ وَجَانِبٍ مِنْ هَزَلٍ!
 (۲) إِنَّمَا مَنْ يَتَّقِيَ اللَّهَ الْبَطُلُ!
 (۳) مَنْ لَمْ يَرْكَبِ الْخَطَرَ لَمْ يَنْلِ الْأَمَلَ!
 (۴) مَنْ يَمْدَحُ إِنْسَانًا يَغْيِرُ مَا فِيهِ تَنْتَظِرُ مِنْهُ خَيْرًا!

۷- ریاضی ۸۵

عین « ما » الجازمة:

- (۱) مَا عَمِلْتُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ!
 (۲) مَا أَحَبُّ أَنْ يَرَانِي الْمَعْلَمُ!
 (۳) أَظْهَرَ مَا تُحِبُّ مِنَ الْخَيْرَاتِ!
 (۴) أَيُّهَا الْعَدُوُّ! مَا هَذِهِ الْجَرَائِمُ؟!

۸- زبان ۸۵

عین « مَن » عاملة:

- (۱) مَنْ أَجَابَ عَنْ هَذَا السُّؤَالِ
 (۲) لَا تُعَاشِرْ مَنْ يَرَى السَّيِّئَاتِ وَ لَا يَنْكُرُهَا
 (۳) مَنْ عَمَلَ صَالِحًا جَزَاهُ اللَّهُ خَيْرًا
 (۴) يُسَاعِدُنَا مَنْ يَرَانَا فِي هَذِهِ الْحَالَةِ

۹- ریاضی ۸۹

عین « ما » الجازمة:

- (۱) مَا تَعْمَلُ الْيَوْمَ تَحْصِدُهُ غَدًا حَتْمًا
 (۲) مَا عَرَفْتَنِي زَمِيلَتِي حِينَ مَرَرْتُ مِنْ جَنْبِهَا
 (۳) مَا الْقَخْرُ إِلَّا لِأَهْلِ الْعِلْمِ إِنَّهُمْ عَلَى الْهُدَى!
 (۴) مَا نَوْعُ الرَّائِحَةِ الَّتِي كَانَتْ تَفُوحُ فِي الشَّارِعِ

۱۰- انسانی ۸۹

عین « ما » جازمه:

- (۱) ما أَجْمَلَ قَوْلِكَ لِأَنَّهُ حَقٌّ وَ مَقْبُولٌ
(۲) ما يُفَكِّرُ الْكَاتِبَ حَوْلَهُ يَسْطُرُهُ قَلَمُهُ
(۳) ما وَصَلَ الْقَطَارُ إِلَى الْمَدِينَةِ بَاكِراً
(۴) ما الْخَيْرِ فِي الْعِظْمَةِ بَلِ الْعِظْمَةُ فِي الْخَيْرِ

۱۱- تجربی ۹۰

عین « مَنْ » نکره:

- (۱) لَا تَعْتَمِدَنَّ عَلَى مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْجِيَ نَفْسَهُ مِنَ الْمَهْلَكَةِ!
(۲) إِنَّمَا يَنْتَفِعُ بِالتَّجَارِبِ مَنْ يَتَعَبَّرُ مِنْهَا وَ يَجْعَلُهَا نَصَبَ أَعْيُنِهِ!
(۳) إِنَّمَا يَجْنِي ثَمَرَاتِ الْعَمَلِ فِي الشَّيْبِ مَنْ سَبَقَ فِي زَرْعِهِ عِنْدَ الشَّبَابِ!
(۴) طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَ ظَهَرَ الصُّبْحُ، وَ لَكِنْ مَنْ يَدْرِي هَلْ يَتَّصِلُ هَذَا الصُّبْحُ بِلَيْلَتِهِ!

۱۲- هنر ۹۰

عین الموصول منصوباً:

- (۱) أَحَبُّ مَنْ عَزَمَ عَلَى الْأُمُورِ الْقِيَمَةَ وَ سَعَى فِيهَا حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَقَاصِدِهِ!
(۲) تُقْصِرُ آمَالُ مَنْ دَلَّهَ عَقْلُهُ عَلَى طَرِيقِهِ، فَإِنَّهُ قَدْ جَعَلَ الْعَقْلَ دَلِيلَ طَرِيقِهِ!
(۳) مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْتَقِدُ أَنَّ الْإِشْتَغَالَ بِالدَّرْسِ وَ الْبَحْثِ عَمَلٌ لَا ضَرُورَةَ لَهُ!
(۴) هُنَاكَ مَنْ يَقْدِّمُ أَعْمَالَهُ خَالِصَةً لِلَّهِ، فَهُوَ سَيَنْتَفِعُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلَاشَكٍّ!

۶. اسم اشاره

تمامی اسامی اشاره که در ادامه با آن‌ها آشنا خواهید شد (فارغ از نوع و صیغه)، معرفه می‌باشند.

✓ اسم اشاره به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. مکانی ۲. غیرمکانی

الف) اسم اشاره مکانی:

این نوع از اسم اشاره، به یک مکان اشاره دارد.

هنا : اینجا هُناكَ : آنجا

(ب) اسم اشاره غیر مکانی:

این اسامی برای انواع شمار و جنس (مفرد، مثنی، جمع / مذکر، مؤنث) به صورت متفاوت و مجزا می آیند و همچنین نزدیک بودن (قَرِیب) و یا دور بودن (بَعید) شیء یا شخص مورد اشاره، در نوع اسم اشاره، تأثیرگذار است:

قَرِیب (نزدیک)	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	هذا	هَذَانِ - هَذَيْنِ	هَؤُلَاءِ
مؤنث	هذه	هَاتَانِ - هَاتَيْنِ	

بَعید (دور)	مفرد	مؤنث	جمع
مذکر	ذَلِكَ	ذَانِكَ - ذَيْنِكَ	اولئِكَ
مؤنث	تِلْكَ	تَانِكَ - تَيْنِكَ	

✓ اسم‌های اشاره‌ی مثنی در حالت بعید، در حیطه‌ی درسی عربی عمومی نیست و تنها چند مرتبه به صورت غیرمستقیم در آزمون دانشگاه آزاد مورد سؤال واقع شده‌اند، نه در آزمون‌های سراسری ...!

نکته‌ی بسیار مهم

اسم «جمع غیرعاقل» در هر جمله‌ای به صورت «مفرد مؤنث» فرض می‌شود؛ بدین معنا که برای این نوع اسم، «فعل، ضمیر، اسم اشاره، صفت، ...» باید به صورت مفرد مؤنث به کار رود.

0 این نکته در تمامی مباحث عربی، صادق است؛ نه تنها در این قسمت ...!

به عنوان مثال، «کُتِبَ» جمع کلمه‌ی «کِتَاب» و لذا اسم جمع غیرعاقل است! پس جهت استفاده از اسم اشاره برای آن داریم:

هذه کُتِبَ / تلک کُتِبَ

✓ یقیناً پس از اسم اشاره، باید کلمه‌ای بیاید؛ چرا که اسم اشاره به اسمی دیگر اشاره می‌کند؛ حال می‌خواهیم بدانیم نقش و اعراب اسمی که پس از اسم اشاره می‌آید، چیست؟ (اهمیت این موضوع، به دلیل طرح پندین تست در آزمون‌های سراسری است)

۱) اسم اشاره + اسم بدون «ال» / این اسم، خبر و مرفوع است

هذا معلّم / هذه کُتِبَ

۲) اسم اشاره + اسم «ال» دار مشتق / این اسم، صفت است و در اعراب، تابع اعراب اسم اشاره!!

هذا العاقل مجتهدٌ جداً

۳) اسم اشاره + اسم «ال» دار جامد / این اسم، عطف بیان است و در اعراب، تابع اعراب اسم اشاره!!

هذا النّاج عظیمٌ حتماً

پاسخ: صفحه ۲۲۹

ایستگاه کنکور

۳ تست

۱- هنر ۸۱

عین الصحيح عن إعراب ما أشير إليه بخطّ:

« إشتريت زميلتنا مريم هذا الكتاب و ذلك القلم »

(۱) بدل - عطف بيان - عطف بيان

(۲) صفة - عطف بيان - معطوف

(۳) عطف بيان - مفعول به - عطف بيان

(۴) فاعل - مفعول به - بدل

۲- ریاضی ۸۲

عین عطف البيان:

(۱) هولاء صادقات في أعمالهنّ

(۲) هذه الأعمال تهدي إلى الرشد

(۳) ابنُ أختي يقصد النجاح في حياته

(۴) هي بنت إحدى العالمات الشهيرات

۳- انسانی ۸۳ ترمی واحدی

عین الجملة التي ليس فيها من التّوابع:

(۱) أ لم تكن هذه أمنيّتنا منذ القديم؟!

(۲) لِلطُّلابِ دُروس كثيرة في هذا الفصل الدَّرَاسِيّ

(۳) هذا الدرس من أحسن دروسنا!

(۴) قامَ الطُّفْلُ مِنْ مَكَانِهِ وَ إِنصَرَفَ عَنْ عَمَلِهِ السَّيِّئِ